



بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی

محمد طالبی*
حسن کیائی

چکیده

بانکداری اخلاقی یعنی بانکداری که در عملکرد خود ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و اجتماعی را نیز در کنار معیارهای اقتصادی در نظر می‌گیرد، پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر و در واکنش به دور شدن اقتصاد سرمایه‌داری از ارزش‌ها ظهور یافته‌است. این نوع بانکداری دارای شباهت‌های بسیاری با نظام بانکداری اسلامی است. زیرا شریعت اسلام تأکید ویژه‌ای بر حاکمیت ارزش‌های اخلاقی بر روابط انسانی می‌کند و یک الگوی جامع از بانکداری اسلامی، هم در بعد اهداف و هم در بعد عملکرد بی‌تردید در بردارنده این ارزش‌ها خواهد بود. لیکن، با وجود این همانندی‌ها، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا نشان دهد به دلیل تفاوت‌های موجود در تعریف اخلاق در بانکداری اخلاقی و تعریف اخلاق در آموزه‌های اسلام، وجوه تمایزی نیز میان نحوه عملکرد این دو نوع بانکداری وجود دارد و عملاً مفهوم نظام بانکداری اسلامی بسیار گسترده‌تر از بانکداری اخلاقی است.

مقدمه

بانکداری اخلاقی به صورت انجام فعالیت‌های بانکی با رعایت کامل حقوق انسانی و صیانت از مشترکاتی چون محیط زیست، التزام به رقابتی سالم و نیز مسئولیت‌پذیر و پاسخگو نسبت به مشتریان تعریف می‌شود. (قلیچ، ۱۳۹۰). محوری بودن ارزش‌های اخلاقی در این نوع بانکداری موجب شده است تا برخی اقتصاددانان در مطالعات خود (مانند ویلسون، ۱۳۸۱) بانکداری اخلاقی را تا حدود زیادی مشابه با بانکداری اسلامی بدانند. این نگاه تاحدودی درست است، زیرا شریعت اسلام تأکید زیادی بر ارزش‌های اخلاقی دارد و اساساً اجرای نظام بانکداری اسلامی بدون توجه به ارزش‌ها و مبانی اخلاقی امکان‌پذیر نیست. لیکن آیا اخلاق و ارزش‌های اخلاقی که در بانکداری اخلاقی مورد استفاده قرار گرفته است با فرهنگ اخلاق در بانکداری اسلامی یکسان است؟ این تحقیق تلاش می‌کند تا نشان دهد با وجود شباهت‌های زیادی که میان بانکداری اخلاقی و بانکداری اسلامی وجود دارد، وجوه تمایز مهمی نیز میان این دو پدیده وجود دارد و اساساً بانکداری اسلامی به معنای واقعی آن مفهومی فراتر و گسترده‌تر از بانکداری اخلاقی است. در بخش دوم از این مقاله سیر تحول اخلاق در اقتصاد متعارف، چگونگی پیدایش و ویژگی‌های بانکداری اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم در ابتدا اخلاق و ارزش‌های اخلاقی معرفی شده در اسلام در حوزه‌های اقتصادی به شکل مختصر بررسی می‌شود و سپس تعریفی از بانکداری اسلامی ارائه می‌شود که فرهنگ اخلاق را نیز در بر داشته باشد. به این ترتیب وجوه تمایز میان بانکداری اخلاقی در اقتصاد متعارف و ابعاد اخلاقی بانکداری اسلامی بررسی می‌شود. در بخش پایانی نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث بررسی شده ارائه می‌شود.

۱- بانکداری اخلاقی در اقتصاد متعارف

۱-۱- اخلاق در اقتصاد متعارف

انسان اقتصادی، انسانی است که با "دیگران" درگیر است و پیوسته در وابستگی و تعامل متقابل با آن‌ها قرار دارد. مطالعه رفتار اقتصادی چنین انسانی نمی‌تواند تنها براساس "اصل خواسته‌های مستقل" تبیین شود. لیکن، هر جا که پای "دیگری" به میان می‌آید، انسان اقتصادی با یک چالش اخلاقی روبه‌روست؛ بنابراین، رفتار اقتصادی با رفتار اخلاقی گره خورده و بدین ترتیب، علم اقتصاد و اخلاق نیز به یکدیگر نزدیک می‌شوند.

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد همانند استادش هاجسون یک فیلسوف اخلاق بود. وی ابتدا کتاب «نظریه احساسات اخلاقی» و پس از آن کتاب «ثروت ملل» را منتشر کرد که کتاب دوم

معروف‌تر است. او در نظریه احساسات اخلاقی طیف گسترده‌ای از فضائل را بررسی می‌کند مانند: تدبیر، هشیاری، احتیاط و مآل‌اندیشی، میانه‌روی، وفای به عهد. او حفظ سلامت، بخت و اقبال، مقام و شهرت فرد و انباشت سرمایه را از گونه‌های دانایی و تدبیر می‌داند که همه محاسبه‌ای عقلانی هستند که کانون توجه اقتصاد جریان غالب و تفسیرهای اثبات‌گرایانه اسمیت است. وی سرانجام خیرخواهی را به‌عنوان بالاترین فضیلت اخلاقی مطرح کرد. بی‌گمان اسمیت کار مهم دیگری را نیز انجام داد: وی در کتاب "ثروت ملل" اصل نفع‌طلبی را تثبیت کرد. به عقیده وی رفع نیازهای ما معلول نیکوکاری و خیرخواهی دیگران نیست، بلکه به سبب توجه آنان به منافع شخصی خودشان است. نتیجه اینکه اسمیت ارزش‌های اخلاقی را مطرح کرد و علم اقتصاد را براساس آن‌ها پایه‌گذاری کرد، لیکن نظریه نفع شخصی که توسط او مطرح شد مبنای قسمت عمده‌ای از نظریه‌پردازی‌های صاحب‌نظران بعدی قرار گرفت. پس از اسمیت برخی صاحب‌نظران نگرش اخلاقی وی به علم اقتصاد را ادامه دادند. "مالتوس"، "ریکاردو" و "جان استوارت میل"، سه اقتصاددان برجسته مکتب کلاسیک، نیز اقتصاد را علمی اخلاقی تلقی می‌کردند. البته علم اخلاقی استوارت میل که آخرین اقتصاددان کلاسیک است به عمق علم اخلاقی اسمیت نمی‌رسد. (معصومی‌نیا، ۱۳۹۰)

شوربختانه با گسترش دامنه علم اقتصاد به ریاضیات و حوزه الگوسازی، این علم از اخلاق تهی شد. "گالبرایت" اقتصاددان مکتب نهادی اظهار داشته: «ارزش‌های اخلاقی از درون یک علم ریاضی رخت برمی‌بندد.» (همان، ۱۶۷) در همین فاصله افراد دیگری از قبیل: "گوسن" (۱۸۱۹-۱۸۵۶)، "منگر" (۱۹۰۲-۱۸۴۰)، "والراس" (۱۹۱۰-۱۸۳۴) هم ظهور کردند. این‌ها حداکثرسازی سود و مطلوبیت را وارد تحلیل‌های اقتصادی کردند که امروزه در کتب رایج اقتصاد، اساس بیشتر تحلیل‌ها را تشکیل می‌دهد. این قبیل اقتصاددانان انفصال اقتصاد از مبادی اخلاقی خود را «علمی‌سازی علم اقتصاد» می‌دانند و می‌گویند ارزش‌گذاری‌های اخلاقی هر چه هم مهم باشند نباید در تحلیل‌های اقتصادی نقشی داشته باشد. نئوکلاسیک‌ها علم اقتصاد را براساس این اصل که «انسان در جست و جوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است» پایه‌گذاری کردند. این تفکر امروزه نیز روح حاکم بر نظام سرمایه‌داری است.

در ادامه این تحولات در علم اقتصاد نیز همانند سایر رشته‌های علمی که در بستر مدرنیته رشد یافته‌اند، بر تمایز بین ارزش-واقعیت بسیار تأکید شد؛ پس از سال ۱۹۳۲، تمایز بین ارزش و واقعیت برای توضیح شکاف میان اخلاق و اقتصاد به‌شکل گسترده مورد استفاده قرار گرفت؛ "لیونل رابینز" در این سال، برای نخستین‌بار از این تمایز برای افزایش هر چه بیشتر

شکاف میان اخلاق و اقتصاد استفاده کرد و تمایز بین اقتصاد هنجاری و اقتصاد اثباتی را براساس تمایز ارزش - واقعیت بنا نهاد. (جباری، ۱۳۸۶)

با دور شدن مسیر اصلی اقتصاد و نظریه‌های آن از مبانی اخلاقی برخی جریان‌های اقلیت بر آن برآمدند تا دوباره پیوندی میان این دو ایجاد کنند و در واقع ایجاد گرایشی با نام اقتصاد اخلاقی^۱ تلاشی در همین جهت است. نکته شایان ذکر این است که منظور از اصول اخلاقی در این جا، تأکید بر ارزش‌های دینی خاصی نبوده، و زمانی که از مسایل و احکام اخلاقی و رابطه آن با علم اقتصاد صحبت می‌شود، منظور آن دسته از اصول قابل تغییر و انعطاف‌پذیری هستند که طی زمان و با توجه به نیازهای جدید جامعه و انسان پدید می‌آیند.

۲-۱- بانکداری اخلاقی

با وجود اینکه جریان اصلی اقتصاد همچنان به تفکیک واقعیت‌های اقتصادی با ارزش‌های اخلاقی اعتقاد دارد، جریان‌های اقلیت نیز به توسعه مفهوم اقتصاد اخلاقی ادامه می‌دهند. این توسعه به بخش بانکداری نیز انجامیده است. در سال‌های اخیر برخی اقتصاددانان تلاش کرده‌اند تا پیوندی میان فرایند عملکرد بانک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی و اصول و مبانی اخلاقی ایجاد کنند که این امر به بانکداری اخلاقی^۲ معروف شده است.

شاید نتوان به علت تفاوت دیدگاه‌ها، شاخص‌های اخلاقی و نیز تفاوت فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف با یکدیگر، تعریف دقیق و واحدی از بانکداری اخلاقی ارائه کرد، لیکن می‌توان بانکداری اخلاقی را فعالیتی بانکی با رعایت کامل حقوق انسانی و صیانت از مشترکاتی چون محیط زیست، التزام به رقابتی سالم و نیز مسئولیت‌پذیر و پاسخگویی نسبت به مشتریان توصیف کرد. بانکداری اخلاقی جزئی از حرکت جهانی به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر در برابر ارزش‌های اخلاقی و انسانی و دغدغه‌های اجتماعی در بخش مالی است. این حرکت که در پی خدمت‌رسانی و تجارت منصفانه است، در پی آن است که علاوه بر حصول اطمینان از بازدهی مناسب منابع، آن را در چارچوب اصول اخلاقی سرمایه‌گذاری کند. از آنجا که بسیاری از اقدامات به محیط زیست آسیب می‌رساند و سطح بهداشت و سلامت انسان‌ها را با خطر روبه‌رو می‌سازد، بانک‌ها می‌توانند در مورد وام‌هایی که در این‌گونه فعالیت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، نرخ سود بالاتر و یا محدودیت مالی بیشتر وضع کنند. همچنین بانک‌ها می‌توانند

^۱ Moral Economic

^۲ Moral Banking

برای ایجاد کارخانه‌ها، ساخت‌وسازها و هرگونه فعالیتی که در آن صرفه انرژی منظور نشده است و یا اتلاف انرژی آن‌ها بالاتر از حد استاندارد است محدودیت‌هایی را ایجاد کنند. (قلیچ، ۱۳۹۰)

در مجموع می‌توان برای بانکداری اخلاقی، اهدافی چون انجام فعالیت‌های کارا و مفید روی منابع بانکی، به‌ویژه سپرده‌ها، پرهیز از اقداماتی که منجر به آسیب‌رسانی اقتصادی و اجتماعی می‌شود، کمک به حفظ ثبات بازارهای مالی و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی کشور، ارائه بهترین خدمات و جذب رضایت مشتریان، رعایت حقوق و منافع کارکنان، ساماندهی اعطای تسهیلات در راستای کاهش فقر و شکاف طبقاتی را دنبال می‌کند. در جدول زیر مهم‌ترین نقاط تمایز یک بانک مبتنی بر اخلاق و یک بانک معمولی مورد بررسی قرار گرفته است. (اتحادیه اروپایی بانکداری و مالیه اخلاقی، ۲۰۱۲)

نقش یک بانک مبتنی بر اخلاق	نقش یک بانک مبتنی بر اخلاق تلاش برای جذب منابع و تخصیص آن در پروژه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در راستای تأمین منافع عمومی است.
منابع پولی	منابع پولی یک بانک مبتنی بر اخلاق مجموع سرمایه بانک و پس‌انداز مشتریانی است که در فعالیت‌های واقعی اقتصاد نقش دارند. این بانک هیچ‌گاه پول‌های کثیف و وجوهی که از فعالیت‌های غیرقانونی به‌دست آمده است را مورد استفاده قرار نمی‌دهد.
محل استفاده وجوه	<p>هدف اصلی یک بانک اخلاقی داشتن اثر مثبت هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه اجتماعی و زیست محیطی است. به‌همین دلیل این بانک وجوه خود را در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی و در راستای کسب منافع اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی مورد استفاده قرار می‌دهد. در این راستا حمایت از مؤسسات غیرانتفاعی و سرمایه‌گذاری در مناطق محروم در اولویت قرار دارد.</p> <p>- در یک بانک مبتنی بر اخلاق ارتباط با مشتریان اغلب به شکل الگوهای مشارکتی است.</p> <p>- در یک بانک مبتنی بر اخلاق هم زمان با ارزیابی‌های اقتصادی، ارزیابی‌های اجتماعی و زیست محیطی نیز در مورد پروژه‌ها صورت می‌گیرد و حداقل ۹۰ درصد منابع در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌شود که هم دارای معیارهای اجتماعی است و هم از نظر اقتصادی توجیه پذیر است.</p> <p>- یک بانک مبتنی بر اخلاق به شکل نظام یافته آثار اجتماعی و زیست محیطی فعالیت‌ها و تأمین مالی‌های خود را ارزیابی می‌کند.</p> <p>- ارزیابی‌های چند وجهی موجب می‌شود که بانک مبتنی بر اخلاق در پروژه‌های خود با ریسک کمی همراه باشد.</p> <p>- بانک مبتنی بر اخلاق هیچ‌گاه پروژه‌ها و فعالیت‌های ناهنجار مانند دخانیات، مشروبات، اسلحه‌سازی، تولیدات پورنو و فعالیت‌های ضدحقوق بشر را تأمین مالی نمی‌کند.</p> <p>- بانک مبتنی بر اخلاق توجه زیادی به محرومیت‌زدایی و خوداشتغالی در قالب تأمین مالی خرد، به‌ویژه میان زنان و جوانان را دارد.</p>
معیارها و ارزش‌ها برای استفاده از پول	<p>- سرمایه‌گذاری‌های یک بانک مبتنی بر اخلاق به شکل شفاف صورت می‌گیرد. برخی از بانک‌ها به مشتریان فرصت می‌دهند تا محل مصرف پس‌انداز خود را انتخاب کنند.</p> <p>- در زمان اعطای تسهیلات بانک مبتنی بر اخلاق تنها وثیقه‌های رایج را در نظر نمی‌گیرد و برای تضمین‌های فردی و اجتماعی نیز ارزش قائل است.</p> <p>- یک بانک مبتنی بر اخلاق با هدف کسب منفعت در کشورهایی که دارای شفافیت مالی نیستند شعبه تأسیس نمی‌کند، بلکه همه تلاش این بانک برای حمایت فعالیت‌های مالی شفاف است.</p> <p>- بانک مبتنی بر اخلاق به‌دنبال سفته‌بازی‌های کوتاه‌مدت نیست، بلکه فعالیت‌های بلندمدت واقعی در اقتصاد را حمایت می‌کند.</p>
شرایط مدیریت بانک	<p>- در یک بانک مبتنی بر اخلاق خدمت‌رسانی به مردم ارزش اصلی محسوب می‌شود و کسب سود به هر روشی هدف اصلی نیست.</p> <p>- بانک مبتنی بر اخلاق سود عادلانه‌ای کسب می‌کند و این سود بیشتر در راستای اهداف اجتماعی بانک سرمایه‌گذاری دوباره می‌شود.</p> <p>- بانک مبتنی بر اخلاق به‌شکل عمیق در شبکه اقتصادی و اجتماعی محل فعالیت خود نفوذ دارد تا دانش کافی نسبت به مشتریان خود و پروژه‌های تأمین مالی شده آن‌ها داشته باشد.</p> <p>- یک بانک مبتنی بر اخلاق طوری مدیریت می‌شود تا کارکنان و سهامداران آن به‌شکل گسترده با هم همکاری داشته باشند.</p> <p>- نظام پرداخت حقوق و دستمزد در بانک مبتنی بر اخلاق به‌شکل عادلانه و کاملاً شفاف طراحی می‌شود.</p>

۲- اخلاق در بانکداری اسلامی

۲-۱- آموزه‌های اخلاقی اسلام در حوزه اقتصاد

اخلاق جمع خُلق به معنای صفت نفسانی پایدار است. این صفات دو دسته‌اند، دسته اول صفاتی هستند که موجب سعادت و نجات و مجاورت انسان با اهل الله می‌شود و فضائل نامیده می‌شود. و دسته دوم را صفاتی تشکیل می‌دهد که سبب هلاکت آدمی می‌شود و به رذائل موسوم است. علم اخلاق علمی است که رذائل و راه‌های معالجه نفس از آن‌ها را و فضائل و چگونگی آراسته شدن به آن‌ها را تبیین می‌کند. (معصومی نیا، ۱۳۹۰)

بررسی درباره ارزش‌هایی که بر نحوه نگرش انسان به فضائل و رذائل تأثیر دارد نیز جزو مسائل علم اخلاق است. اخلاق در دین جایگاه والایی دارد، به گونه‌ای که حضرت رسول (ص) هدف بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی برشمردند. همچنین ملاک کمال ایمان را پایبندی به ارزش‌های اخلاقی دانسته‌اند. قرآن کریم تزکیه نفس را به عنوان یکی از اهداف رسالت پیامبر اکرم (ص) بیان فرموده است.

به این ترتیب اخلاق اقتصادی به آن دسته از ارزش‌های اخلاقی و معنوی گفته می‌شود که آثار اقتصادی دارند، خواه خود آن ارزش‌ها اقتصادی باشند و خواه نباشند. فرهنگ اخلاق هم که اسلام در زمینه‌های اقتصادی بیان فرموده، می‌تواند زمینه‌ساز نظام اقتصادی ویژه خود باشد. آموزه‌های اخلاقی اسلام بسیار زیادند و همه عرصه‌های اقتصاد را در برمی‌گیرند. با اندکی دقت برای ما آشکار می‌شود که قسمت عمده این تعالیم منحصر به فرد هستند و با نظام ارزشی نظام‌های اقتصادی مطرح و به ویژه نظام سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارند. تعالیم اخلاقی اسلام در زمینه اقتصاد از آموزه‌های اقتصادی صرف اسلام جدا نیستند. اسلام خواسته است آحاد جامعه اسلامی با عمل به این تعالیم از درون ساخته شوند و در نتیجه هنگامی که به فعالیت اقتصادی پرداختند، افزون بر اینکه اقتصاد را به درجه بالایی رشد و شکوفایی می‌رسانند قدم‌های بزرگی در مسیر شایستگی‌ها برخواهند داشت.

در این بخش قسمتی از تعالیم اخلاقی اسلام مطرح می‌شود که به طور مستقیم به عملکرد کارگزاران در بخش‌های گوناگون اقتصاد مربوط می‌شود. برخی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی اسلام را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف- عدل و انصاف: عدالت از آموزه‌های بسیار فراگیر اسلام است. قرآن کریم اقامه عدل را از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا شمرده است. عدالت شعب زیادی دارد، یکی از آن شعب رعایت انصاف است. انصاف یکی از بهترین، روشن‌ترین و دقیق‌ترین معیارها برای تنظیم

روابط فردی و اجتماعی است. این ملاک در تمامی روابط، از جمله روابط، اقتصادی کاربرد دارد و همهٔ بخش‌های تولید، توزیع، تجارت و مصرف را در برمی‌گیرد. از منظر اسلام امکانات اولیهٔ اقتصاد باید در دسترس همگان قرار داشته باشد، بنابراین عدالت پیش از تولید مترادف با تساوی است. لیکن عدالت پس از تولید، یعنی عدالت توزیعی یعنی عدالت در توزیع درآمد معنایش فرق می‌کند. عدالت توزیعی به معنای این است که حق هر کس به او داده شود. لیکن انصاف اقتضا می‌کند اگر توانایی مالی او بیشتر از نیاز اوست قسمتی را صرف تأمین نیازمندان و محرومان کند. اگر امر عکس بود و وی به هر دلیل از درآمد کافی برخوردار نبود و نیازمندان از تمکن برخوردار بودند وی چه انتظار داشت؟ از این رو قرآن کریم فرموده: وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ. منطبق این امر کاملاً روشن است: همهٔ انسان‌ها حق حیات دارند. فعالان مجازند عمدهٔ درآمدشان را خودشان مصرف کنند. عدالت اقتضا می‌کند کسانی هم که توانایی تأمین تمامی نیازهای خود را ندارند تأمین شوند. در تجارت و مبادلات نیز باید این اصل حاکم باشد. اگر عرضه و تقاضا شکل طبیعی خود را داشته باشند، قیمت‌هایی که در بازار شکل می‌گیرد عادلانه خواهد بود. در این شرایط عرضه‌کننده و تقاضاکننده به حق خود خواهند رسید. حضرت امیر (ع) فرمودند: «لازم است مبادله آسان باشد و با موازین عدل صورت پذیرد، به گونه‌ای که به دو گروه خریدار و فروشنده اجحاف و ظلم نشود.» انصاف در معاملات اقتضا می‌کند انسان وارد معاملهٔ دیگران نشود و از اضطرار آن‌ها سوءاستفاده نکند.

ب- **ایثار و احسان:** این دو از عدل و انصاف بالاترند. احسان یعنی اینکه با دیگران بهتر از آن رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار کنند. و ایثار به معنای این است که امکاناتی که به آن نیاز داریم در اختیار دیگران قرار دهیم. عدالت و احسان دستور صریح خداوند است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ** (نحل، ۹۰) امیر مؤمنان (ع) در تفسیر آیه فرمود: **العدل: الانصاف، و الاحسان: التفضل** (وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۹۱).

ج- **اخلاق در تولید:** قرآن کریم آباد کردن زمین را مأموریت انسان‌ها می‌داند (هود، ۶۱). بدیهی است که لازمهٔ آبادانی داشتن تخصص‌های مختلف است. لازم است انواع علوم و فنون گسترش پیدا کند تا امکان آن فراهم شود و به اصطلاح اصولی تعلیم و تعلم علوم و فنون وجوب مقدمی دارند. استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی امری ناممکن است، بنابراین بر تمامی آحاد جامعهٔ اسلامی فرض است که در حد توان در این مسیر قرار گیرند. افزایش توان تولیدی همچنین موجب رفاه جامعهٔ اسلامی می‌شود که مطلوب خداوند است.

د- اخلاق در تجارت: مراد تمامی مبادلات است. لازم است فروشندگان به سود کم راضی باشند و برای کسب سود از هر راه اقدام نکنند. در این راستا باید از این‌گونه امور پرهیز کنند. تبانی برای ایجاد انحصار فروش، تبلیغات کاذب، کم فروشی (تطفیف)، دروغ، ربا و پوشاندن عیب کالا. خریداران نیز باید از ایجاد انحصار خرید، مداخله در معاملات دیگران و این‌گونه امور پرهیز کنند. امام صادق(ع) فرموده: حضرت رسول (ص) فرمودند: هر کس به خرید و فروش می‌پردازد باید پنج خصلت را رعایت کند و در غیر این صورت نه بخرد و نه بفروشد: ۱- ربا ۲- سوگند ۳- پوشاندن عیب (کالا) ۴- ستودن کالا هنگام فروش ۵- مذمت کالا هنگام خرید (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ۵۱۶)

ه- اخلاق در مصرف: مصرف بالاتر از کفاف موجب اسراف است و از نگاه اسلام نادرست است. در مورد مصرف، توصیه‌های اکیدی در مورد قناعت به عمل آمده است. یکی از زیبایی‌های تعالیم اسلام در تمام زمینه‌ها و از آن جمله مصرف، حفظ کرامت انسان و ارزش انسانی اوست. پس انداز درآمد مازاد و روی نکردن به مصرف غیرضروری همان رعایت قناعت است که تأمین‌کننده این مهم است. از این‌روست که امام (ع) حیات طیبه در آیه شریفه را به قناعت تفسیر فرموده است (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۳۶).

۲-۲- اخلاق در بانکداری اسلامی

برخی از اقتصاددانان بانکداری اسلامی را نظام بانکی ارائه‌دهنده خدمات مالی و بانکی اخلاقی توصیف می‌کنند؛ اهتمام اصلی بانک‌های اسلامی این است که روش‌های مالی آن‌ها براساس قوانین شریعت باشد و با توجه به تأکید شریعت بر ارزش‌های اخلاقی، می‌توان مطمئن بود هر خدمتی که در بانکداری اسلامی ارائه می‌شود باید مبتنی بر اخلاق باشد. (ویلسون، ۱۳۸۱). لیکن نکته حائز اهمیت این است که تبیین شود اخلاق در بانکداری اسلامی چه جایگاهی دارد. در این بخش نشان می‌دهیم با وجود اینکه بانکداری اخلاقی به شکلی که در اقتصاد متعارف معرفی شده است دارای شباهت‌هایی با بانکداری اسلامی است، هم از نظر مفهوم اخلاق و هم از نظر عملکرد بانکداری اسلامی تمایزهایی نیز میان این دو پدیده وجود دارد.

اصول و مبانی بانکداری اسلامی، باید از دو جهت مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد: یکی از این نظر که نظام ترسیم شده باید به‌گونه‌ای باشد که همانند بانک‌های دیگر، وظایف اقتصادی پیش‌بینی شده را به‌خوبی انجام دهد و دیگر از این نظر که در چارچوب نظام اسلام باشد و لازم

است جهت‌گیری‌ها و راهبردهای آن با مبانی اسلام ناسازگاری نداشته باشد. «شهید صدر» در طرح پیشنهادی خود برای بانک اسلامی سه شرط در نظر می‌گیرد (صدر، ۱۳۵۹):

الف- هماهنگی کامل با شریعت اسلام؛

ب- توفیق در همه شرایط اجتماعی و در تمام جوامع انسانی؛

ج- ایفای نقش اقتصادی خود، به‌عنوان یک مؤسسه تجاری سودآور

بنابراین زمانی نظام بانکداری اسلامی به شکل کامل تحقق می‌یابد که در آن بانک‌ها علاوه بر اینکه بتوانند نقش واسطه‌گری پولی در اقتصاد را به‌درستی انجام دهند، عملکرد آن‌ها از نظر شرعی نیز با هیچ اشکال و شبهه‌ای روبه‌رو نباشد. در مورد ویژگی‌های اصلی تحقق نظام بانکداری اسلامی به‌شکل واقعی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

اول- در حوزه انطباق عملیات بانکداری با موازین شرعی شاید مهم‌ترین ویژگی بانکداری اسلامی "به‌کارگیری عقود اسلامی و حذف ربا" از فرایندهای عملیاتی بانک باشد. بنابراین بانکداری اسلامی باید طوری عمل کند تا بتواند همه وظایف یک بانک در نظام اقتصادی را با استفاده از ابزارهای شرعی و کاملاً براساس موازین اسلامی ارائه دهد.

دوم- از دیگر موازین مهم در بانکداری اسلامی "توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و قشرهای مختلف جامعه" است. دسترسی بیشتر و غیرعادلانه بخشی از افراد جامعه به تسهیلات بانکی با اصل عدالت در تضاد است و نباید چنین وضعیتی در بانکداری اسلامی وجود داشته باشد.

سوم- مورد بعدی "تعیین عادلانه نرخ‌های سود" است. به این معنا که در بانکداری اسلامی نرخ‌های سود چه در عقود مبادله‌ای و چه در عقود مشارکتی باید به‌شکل عادلانه تعیین شود. در مورد عقود مبادله‌ای از آنجا که نرخ سود از سوی بخش واقعی اقتصاد تعیین می‌شود، نرخ‌های سود به ناگزیر نباید در مورد همه عقود و همه کالاها برابر باشد. به‌عنوان مثال نرخ سود فروش اقساطی در بازار مسکن لزوماً نباید با نرخ سود فروش اقساطی در بازار خودرو به یک میزان تعیین شود. در مورد عقود مشارکتی نیز سهم بانک و مجری پروژه در سود حاصل از آن باید به‌شکلی کاملاً عادلانه تعیین شود. از سوی دیگر سود اعطایی به سپرده‌گذاران نیز باید عادلانه باشد. در این مورد اساساً تعیین نرخ سود برای سپرده‌گذاران در بانکداری اسلامی درست نیست. با توجه به اینکه بانک وکیل سپرده‌گذار است، باید حق الوکاله خود را از درآمدهای ناشی از اعطای تسهیلات کسر کرده و بقیه را به سپرده‌گذاران ارائه دهد.

چهارم- وجود "شفافیت در قراردادهای بانکی" از دیگر ویژگی‌های یک نظام کارآمد بانکداری اسلامی است. معاملات بانکی باید شفاف و روشن باشد و حقوق و مسئولیت‌های مشتری و بانک کاملاً در قرارداد به صورت روشن بیان شود. باید قراردادهای بانکی در بانکداری اسلامی به گونه‌ای طراحی شود که هر یک از مشتریان در هر زمان که بخواهند اطلاعات کافی از قرارداد و حقوق و مسئولیت‌هایشان داشته باشند. بنابراین صرف طراحی قراردادها بر مبنای موازین اسلامی و امضای آن توسط مشتری بدون اینکه مشتری آگاهی کافی نسبت به مفاد قرارداد داشته باشد به هیچ عنوان درست نیست.

پنجم- اهتمام برای "رعایت اخلاق اسلامی" در کسب و کار بانک نیز یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری اسلامی است. همان‌طور که اشاره شد، در متون اسلامی بخش مهمی به نام اخلاق بازار و کسب و کار وجود دارد و اصول مهمی در این زمینه وجود دارد که رعایت آن‌ها می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی و کارایی نظام بانکداری اسلامی باشد.

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود اگر قرار باشد نظام بانکداری اسلامی به شکل کامل تحقق یابد، ارزش‌های اخلاقی باید در تمام بخش‌های آن حاکم باشد. از مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر بانکداری اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دسترسی عادلانه اقشار مختلف جامعه به خدمات و محصولات بانک در بانکداری اسلامی
- تأکید بر استقرار و توسعه قرض‌الحسنه برای پاسخگویی به نیاز مالی نیازمندان
- تلاش برای محرومیت‌زدایی و توانمندسازی قشرهای ضعیف جامعه با استفاده از تأمین مالی خرد
- آسان‌سازی و روان‌سازی فرایند ارائه خدمات به مشتریان به منظور کسب رضایت آن‌ها
- تنظیم وثایق مورد نیاز برای ارائه تسهیلات متناسب با توان مشتریان
- نبود سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیراخلاقی و غیرمفید برای جامعه
- زمینه‌سازی و ترویج فعالیت‌های اخلاقی و خیرخواهانه در جامعه
- تنظیم ضوابط ارتقای کارکنان بر مبنای شایسته‌سالاری
- استقرار نظام جبران خدمات کارکنان بر مبنای عدالت

به این ترتیب همان‌طور که مشاهده می‌شود استقرار نظام بانکداری اسلامی به شکل کامل و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، با آنچه در اقتصاد متعارف با نام بانکداری اخلاقی مطرح شده است هم‌پوشانی‌های زیادی دارد، لیکن با وجود این نکات تمایز زیادی نیز میان این دو شکل بانکداری وجود دارد.

نخستین وجه تمایز این دو مفهوم این است که نظام بانکداری اسلامی یک نظام بانکداری مستقل است که الگوی جدیدی از بانکداری را ارائه داده است، در حالی که بانکداری اخلاقی را نمی‌توان یک نظام مستقل بانکداری نامید. در بانکداری اخلاقی از همان الگوی متعارف بانکداری استفاده شده است، با این تفاوت که ارزش‌های اخلاقی نیز در دستور کار بانک قرار می‌گیرد. دومین تفاوت در نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر اخلاق با بانکداری اخلاقی هدف استفاده از اخلاق در بانکداری است. اساساً در اقتصاد اخلاقی و بانکداری اخلاقی زمانی که صحبت از استفاده از ارزش‌های اخلاقی به میان می‌آید، باز هم نفع شخصی مطرح است، در حالی که در اسلام به استفاده از فرهنگ اخلاق در همه ابعاد زندگی و برای تکامل بشر سفارش شده است تا جایی که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خویش را به فرجام رساندن مکارم اخلاقی بیان کرده است. سومین و مهم‌ترین تفاوت بانکداری اخلاقی و بانکداری اسلامی مبتنی بر اخلاق تعریف ارزش‌های اخلاقی است. در بانکداری اخلاقی تمرکز بر اصول اخلاقی صورت می‌گیرد که متغیر و مورد تأیید انسان امروز است، در حالی که منظور از فرهنگ اخلاق در بانکداری اسلامی اصولی است که از جانب شریعت وضع شده است و قابل تغییر نیست. بنابراین از آنجا که مثلاً اتلاف انرژی از نگاه بشر امروز غیر اخلاقی است، در بانکداری اخلاقی برای جلوگیری از اتلاف انرژی راهکارهایی ارائه می‌شود، لیکن با وجود این همه گرسنه در جهان برای مقابله با اسراف در هتل‌ها و جشن‌ها هیچ بحثی وجود نداشته باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با وجود اینکه بنیانگذاران علم اقتصاد رویکردی فلسفی به علم داشتند و اخلاق را در نظریه‌های خود وارد می‌کردند، لیکن توسعه این علم در طول زمان با فاصله گرفتن آن از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی همراه بوده و اساساً ایجاد تفکیک میان اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری نیز در همین راستا صورت گرفته است. اما در سال‌های اخیر کاستی‌هایی که جریان اصلی اقتصاد هم در زمینه ارائه نظریه‌هایی برای تفسیر رفتار انسان‌ها و هم در زمینه‌های عملکردی اقتصاد داشته است موجب شد تا جریانی با عنوان اقتصاد اخلاقی در بخش‌های مختلف اقتصاد به راه افتد که مسائل را از زوایای دیگری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بانکداری اخلاقی یعنی بانکداری که در عملکرد خود ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و اجتماعی را نیز در کنار معیارهای اقتصادی منظور می‌کند نیز یکی از مصادیق این جریان در بخش مالی و پولی اقتصاد است.

با توجه به تأکید شریعت اسلام بر ارزش‌های اخلاقی و ضرورت اخلاق محور بودن نظام بانکداری اسلامی، به نظر می‌رسد پدیده بانکداری اخلاقی در اقتصاد متعارف دارای شباهت‌های بسیاری با بانکداری اسلامی باشد. این شباهت‌ها از این روی ایجاد شده است که در هر دو نظام بانکی مبنای فعالیت‌ها توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی است. اما این شباهت‌ها نباید مانع از این شود تا وجوه تمایز بسیار مهم این دو رویکرد مورد بررسی قرار گیرد. اخلاق در شریعت اسلام دارای مبنای توحیدی است و این اطمینان وجود دارد که ارزش‌های اخلاقی به شکل کامل و جامع توسط شریعت به شکل شفاف برای بشریت معرفی شده است. در حالی که در بانکداری اخلاقی، اخلاق دارای یک تعریف جامع و اطمینان بخش نیست و تنها آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که مورد اجماع مردم در یک منطقه و یک مقطع خاص از زمان باشد مبنای فعالیت بانک قرار می‌گیرد. به این ترتیب به نظر می‌رسد در یک مقایسه کلی بتوان بانکداری اسلامی در بعد اخلاق محور بودن را بسیار فراتر از آنچه در اقتصاد متعارف با بانکداری اخلاقی معرفی شده است دانست، زیرا مبنای اخلاق در بانکداری اسلامی دارای پایه‌های بسیار محکم‌تری است.